

تحلیل انتقادی دیدگاه نفس الامر مرحوم علامه طباطبایی

چکیده محتوایی

بیان مدعا (دکتر علوی تبار):

یکی از ابتکارات فلسفی علامه طباطبائی تبیین جدید ایشان از بحث نفس الامر است. ایشان با رد نظریه عقل فعال محقق طوسی و نفس الشیء محقق لاهیجی و حکیم سبزواری و همین طور با رد انحصار نفس الامر در قضایای عدمی قائل می‌شوند که نفس الامر همان ثبوت اعمی است که نفس در دو مرتبه و با دو توسعه به صورت اضطراری آن را اعتبار می‌کند و این اعتبار از سنخ اعتبار عقلی است. این ثبوت اعم، مرادف با وجود اعم بوده و شامل وجودهای خارجی و ذهنی و اعتباری است و مطابق تمام قضایای صادق در این ثبوت اعم محقق هستند و ملاک صدق و کذب تمام قضایای ماهوی و غیر ماهوی تطابق با همین ثبوت اعم است. در این مقاله برآنیم علاوه بر ارائه تبیینی صحیح و روشن از نظر علامه طباطبائی و رد نظریه عقل فعال و نفس الشیء، تفاوت نظر علامه و مشهور وضوح بیشتری بیابد؛ چراکه علامه طباطبائی برخلاف مشهور، با تأمل در اصالت وجود، مطابق حقیقی و خارجی داشتن قضایای ماهوی و قضایای را که متشکل از معقولات ثانی هستند انکار می‌کند و نفس الامر را منحصر در قضایای عدمی و حقیقیه نمی‌کند. نظر علامه طباطبائی در عین استواری، اولاً از جامعیت کافی برخوردار نیست و شامل اعتبارات عقلایی و وهمی نمی‌شود و ثانیاً چگونگی تطابق در این نظریه از وضوح کافی برخوردار نیست. براساس نظریه مختار، نفس الامر همان وجود به معنای اعم است که شامل وجود حقیقی، وجود ذهنی، وجود اعتباری عقلی و عقلایی و وهمی می‌شود.

ناقد اول (حجت الاسلام اخوان):

بحث فلسفی مثل نفس الامر بحثی بسیار پیچیده است؛ یا واقعا بحث نفس الامری که علامه در شرح اسفار آورده، در مقام بیان بودند. ما وقتی می‌خواهیم نقد کنیم باید به این موضوع اشراف داشته باشیم؛ ما بحث نفس الامر را مستقیماً بر دید به بحث معرفت شناسی، در حالیکه این بحث اعم از معرفت شناسی و وجودی است؛ ما نباید توقع داشته باشیم بحث فقط در فلسفه حل شود، باید از عرفان نیز کمک گرفت؛ اگر فقط مسئله معرفت شناسی باشد ما باید بحث علم را بررسی کنیم؛ قبل از علامه هیچ کس به انتزاعیات، اعتباریات نگفته است؛ در این بحث ایجاز گویی هست، ولی تمام مباحث علامه را ببینیم، آن موقع نمی‌توان به این راحتی آن را به چالش کشید؛ ما باید در این بحث با توجه به نظریات عرفانی بحث را مورد توجه قرار دهیم، چون علامه با نظریات عرفانی خود این بحث را مطرح کرده است؛ علامه در بحث نفس الامر متأثر از عرفان قیصری است؛ شما همان دیدگاه متکلمین را مطرح کردید که علامه همان را رد می‌کند.

ناقد دوم (دکتر اسلامی نسب):

بر خود وظیفه میدانم که در اینجا مدافع علامه باشم؛ ما باید با نظام فکری یک فیلسوف آشنا باشیم تا بتوانیم آن را نقد کنیم؛ علامه هرگز بدون دلیل بحثی را مطرح نکرده است که شما باید به این موضوع خیلی دقت کنید؛ ادبیات نفس الامر بسیار بحث جدیدی است که خیلی از مشکلات معرفتی ما را حل می‌کند؛ باید این مسئله مطرح شود که چرا علامه این بحث را مطرح کرده است؟ مسئله اش چه بوده است؟ ما دوگانه نفس الامر داریم، به معنای اعم و به معنای اخص؛ معنای اخص خودش بخشی از معنای اعم نفس الامر است؛ علامه بحث جدید نفس الامر را به خاطر نگاه اصالت الوجودی مطرح می‌کند؛ علامه در واقع چیزی به نام علم حصولی را قبول ندارد، فقط علم حضوری را می‌پذیرد به معنای «حضور مجرد عند مجرد» بحث نفس الامر را نیز باید همین جا گشت؛ نفس الامر یک اعتبار محض است؛ علامه می‌فرماید، من مشکل مطابق و مطابق ندارم، چون یک چیزی بیشتر قبول نمی‌کنم، فقط وجود محض؛ بحثی را که علامه در اعتباریات مطرح می‌کند همان روشی را در نفس الامر نیز به کار می‌برد.